

حقایق پنهان از واقعه فاطیما

گفته و ناگفته ها پیرامون واقعه فاطیما در حدود

صد سال پیش در کشور پرتغال

گروه تحقیق و مطالعه پدر مهربان؛ پژوهشکده مسیحیت

در این کتاب به اختصار به واقعه فاطیما که حدود صد سال پیش در منطقه ای در کشور پرتقال گزارش شد و رخدادهای پس از آن و ادعاها و باورها و گفته و ناگفته های پیرامون این واقعه بر اساس مستندات تاریخی و مسیحی و اسلامی می پردازیم.

در قسمت اول به بررسی نام شهر فاطیما، رازها و مکاشفات فاطیما و لقب بانوی تسبیح می پردازیم. در قسمت دوم نگاهی خواهیم داشت به معجزه خورشید، اسرار فاطیما، پنهان کاری های کلیسا در این خصوص و علت انتخاب نام فاطیما برای نام گذاری فرزندان در میان مسیحیان. در قسمت سوم منشأ اعتقاد به تثلیث و گناه نخستین را در مسیحیت بررسی خواهیم کرد و در قسمت چهارم شواهدی از رسوخ کفر در مسیحیت از کتاب تاریخ نویس مشهور ویل دورانت ارائه می کنیم و سپس به اجمال به شخصیت حضرت مریم سلام الله علیها از دیدگاه مسیحیت می پردازیم و در قسمت آخر شخصیت حضرت مریم و حضرت فاطمه سلام الله علیهما را از دیدگاه اسلام نشان می دهیم و خانواده مقدس را از دیدگاه اسلام معرفی می کنیم.

امید است تلاش هرچند کوچک ما جهت روشن شدن هرچه بیشتر یکی از رازهای سربه مهر قرن بیستم مقبول افتد و باعث افزایش اندکی اطلاعات در مورد این واقعه و روشن شدن جرقه ای برای تأمل بیشتر در این خصوص در ذهن دوستانمان گردد.

www.maseeh.ir

گروه تحقیق و مطالعه پدر مهربان؛ پژوهشکده مسیحیت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در سال ۱۹۱۷ در شهر فاطیمای پرتغال سه کودک چوپان ، لوسیا (لوشا) سانتوز^۱ ده ساله (متولد ۲۲ مارس ۱۹۰۷) و خواهر و برادری از خویشانش هفت و تقریباً نه ساله جسینتا مارتو^۲ (متولد ۱۱ مارس ۱۹۱۰) و فرانسیسکو مارتو^۳ (متولد ۱۱ جون ۱۹۰۸) ، ادعا کردند که چند مکاشفه داشته اند از بانویی که خود را بانوی تسبیح معرفی کرده بود. مسیحیان از قرن سیزده چنین تسبیحی را روزری^۴ می نامند. لوسیا بانویی را که مشاهده کرده بود اینگونه توصیف کرد: درخشان تر از آفتاب، در حالیکه شعاع های نوری می پراکند که شفاف تر و درخشان تر از گوی های کریسالی بود که با آب زلال پر شده و نور خورشید به آن نفوذ کرده است.^۵

بررسی نام فاطیما

ابتدا اجازه دهید حقایقی را پیرامون شهر فاطیمای پرتغال بررسی کنیم.
طبق دائرة المعارف ویکی پدیا:

"شهر فاطیما در پرتغال از نام یک شاهزاده مور اقتباس شده بود."

واژه نامه وبستر^۶ می گوید: "مورها مسلمانانی بودند ترکیبی از بربرها و اعراب که در شمال غربی افریقا ساکن بودند و در قرن هشت به اسپانیا حمله کردند و آن را تا سال ۱۴۹۲ در اشغال داشتند."
دائرة المعارف استیت مستر^۷ می گوید:

در سال ۷۱۱ مسیحی، یک لشکر اموی از مورها از شمال افریقا به اسپانیای مسیحی از قوم غربیون^۸ حمله کرد. آن ها تحت رهبری طارق ابن زیاد به جبل الطارق رسیدند و در یک رشته لشکر کشی هشت ساله بیشتر شبه جزیره آیری را تحت حاکمیت اسلام درآوردند. الاندلس (سرزمین وندل ها^۹) نام عربی ای است که توسط فاتحان مسلمان به جزیره آیری داده شد. از قرن هشت تا پانزده قسمت هایی از شبه جزیره آیری تحت سلطه مورها (اکثریت بربرها و تعدادی اعراب) بود که از شمال افریقا وارد شبه جزیره شده بودند.
واژه نامه وبستر توضیح می دهد که شبه جزیره آیری شبه جزیره ایست در جنوب غربی اروپا دربرگیرنده اسپانیا و پرتغال.

¹ Lúcia Santos

² Marto Jacinta

³ Marto Francisco

⁴ Rosary

⁵ Wikipedia Encyclopedia

⁶ Webster dictionary

⁷ State Master Encyclopedia

⁸ Visigoth

⁹ Vandals

علاوه بر تأثیر امویان سنی، که وارد شبه جزیره آیری شده بودند، در آن زمان حضور شیعیان هم در میان بربرهای افریقای شمالی در این منطقه مشهود بود، برای مثال:

"ادریسیون"^{۱۰} (عربی: الأدراسه) سلسله عرب شیعه زیدی مراکش بود که از سال ۷۸۸ تا سال ۹۸۵ مسیحی حکومت داشت... پایه گذار این سلسله ادریس بن عبد الله (۷۸۸-۷۹۱) بود که تبارش به علی بن ابیطالب و همسرش فاطمه، دختر حضرت محمد می رسید. عباسیان او را که یک شیعه اولاد پیغمبر بود مورد آزار قرار دادند. او در سال ۷۸۶ به مغرب فرار کرد و بربرها او را پناه دادند. فرمانروایی نوبنیاد ادریس اول دومین دولت خودمختار اسلامی در مراکش و اولین آن در آیری بود.^{۱۱}

دائرة المعارف بریتانیکا^{۱۲} در خصوص سلسله فاطمیین یا فاطمیون می گوید:

"سلسله ای سیاسی و مذهبی که بر یک امپراطوری در شمال افریقا فرمانروایی کردند... از سال ۹۰۹ تا ۱۱۷۱ مسیحی... این سلسله نامش را از فاطمه، دختر پیامبر اسلام، گرفته بود که فاطمیون خود را از نسل او می دانستند."

بنابراین با توجه به تأثیر اسلام در این منطقه خصوصا تأثیر شیعیان که حضرت فاطمه سلام الله علیها را بسیار دوست و گرامی می دارند، کاملا منطقی ست که نتیجه بگیریم نام حضرت فاطمه سلام الله علیها برای مردم پرتغال به خوبی شناخته شده بود. اما در خصوص داستان شاهزاده مور دو نکته بسیار مهم وجود دارد:

نکته اول اینکه:

به هیچ وجه مدرک تاریخی ای برای این داستان وجود ندارد و در واقع این داستان بر مبنای یک "افسانه"^{۱۳} ساخته شده است.

واژه نامه وبستر درباره واژه "افسانه" می گوید: داستانی ست غیر تاریخی یا غیر قابل تأیید که به طور سنتی از زمان های گذشته سینه به سینه نقل می شود و در میان عامه به عنوان یک داستان تاریخی پذیرفته می شود.

نکته دوم اینکه:

بسیاری از کسانی که این "افسانه" را نقل کرده اند، مانند اسقف اعظم بسیار مشهور امریکایی کلیسای کاتولیک رومی، فلتن جان شین^{۱۴}، گفته اند که این شاهزاده مور که نامش به اقتباس از نام دختر پیامبر اسلام فاطمه بود با مرد جوان کاتولیکی ازدواج کرد و کاتولیک شد و نامش را به یک نام کاتولیک تغییر داد؛ اما از آنجایی که همسرش او را بسیار دوست داشت نام شهرش را به نام اسلامی زنش تغییر داد!

در اینجا این پرسش مطرح می شود که چرا نام "اسلامی" او؟

و اما جالب است که افسانه مذکور چنین چیزی نمی گوید! به نظر می رسد که حتی افسانه ها هم از تحریفات انسانی در امان نیستند!!!

¹⁰ Idrisids

¹¹ دائرة المعارف ویکی پدیا انگلیسی

¹² Encyclopedia Britannica

¹³ legend

¹⁴ Fulton John Sheen

دائرة المعارف استیت مستر درباره افسانه شاهزاده مور می گوید:

"افسانه می گوید که نام شهر از نام یک شاهزاده مور از الکاسر دو سال^{۱۵} گرفته شده است که نامش فاطمه بود. او پس از اسیر شدن به دست نیروهای مسیحی در زمان اشغال پرتغال توسط مورها با رهبر آن نیروها، گانسلو هرمیگز^{۱۶} نامزد کرد و کاتولیک شد و پیش از ازدواجش در سال ۱۱۵۸ غسل تعمید یافت. او به نام آورینا^{۱۷} غسل تعمید یافت. این افسانه می گوید که نام شهر آورم^{۱۸} از نام آورینا گرفته شده است."

توجه کنیم که "این افسانه می گوید که نام شهر آورم از نام آورینا گرفته شده است"؛ یعنی اینکه طبق این افسانه نام شهر آورم در پرتغال از نام شاهزاده مور مذکور گرفته شده است و نه نام شهر فاطیما!

بنابراین صحت این امر قابل تأیید نیست که نام روستایی که در آن، این به اصطلاح مکاشفه رخ داد، پیش از ادعای مکاشفه فاطیما بوده است. در نتیجه به نظر می رسد که به احتمال بسیار این روستا بخاطر این به اصطلاح مکاشفه فاطیما نام گرفت و اگر هم نام روستا قبل از جریان مکاشفه، فاطیما بوده است منطقی آن است که بپذیریم که در نتیجه نفوذ اسلام در منطقه نام این روستا جهت بزرگداشت حضرت فاطمه سلام الله علیها فاطیما گذاشته شد و نه بخاطر نام طرد شده یک دختر افسانه ای!

بررسی لقب بانوی تسبیح

حالا اجازه دهید لقبی را بررسی کنیم که به قول مسیحیان آن بانو خود را با آن نام معرفی کرد: بانوی روزری^{۱۹} یعنی بانوی تسبیح.

"دیدگاه های متفاوتی در مورد تاریخ روزری وجود دارد. عقیده رایج اینست که در سال ۱۲۱۴ در کلیسای پروئیل^{۲۰} در فرانسه در مکاشفه ای مریم باکره مقدس روزری را به سنت دومینیک^{۲۱} داد. این مکاشفه مریم مقدس، «بانوی روزری ما»^{۲۲} نام گرفت."^{۲۳}

شایان تذکر است که از آن تاریخ به بعد، و نه قبل از آن، کاتولیک ها مجسمه هایی با عنوان بانوی روزری ساخته و آن را مقدس شمردند.

بنابراین اولاً، رشته دانه های ذکر شمار یا آنچه کاتولیک ها روزری می نامند و از آن استفاده می کنند، مفهومی تقریباً جدید است؛ و دعاهایی که با روزری خوانده و شمرده می شوند هم از آن زمان که فردی در دهکده پروئیل

¹⁵ Alcácer do Sal

¹⁶ Gonçalo Hermigues

¹⁷ Oureana

¹⁸ Ouré m

¹⁹ rosary

²⁰ Prouille

²¹ Saint Dominic

²² our lady of Rosary

^{۲۳} ویکی پدیای انگلیسی، به نقل از سنت دومینیک و روزری نوشته کترین بیب

Catherine Beebe, St. Dominic and the Rosary

ادعا کرد که در مکاشفه ای روزری به او داده شده است، توسط چهره های مختلف کاتولیک در حال ساختن و پرداختن و تغییر و تحول می باشد. همچنین شایان ذکر است که بسیاری از اینگونه مفاهیم جدید در مسیحیت، ریشه در قرن سیزده مسیحی یا حدود قرن سیزده مسیحی دارند. زمانی که عوامل خاصی در اروپا مثل حضور مسلمانان در اروپا، و نیز جنگ های صلیبی در حال به وقوع پیوستن بودند؛ یعنی بسیاری از چنین مفاهیمی در مسیحیت در دوره ای که در آن مسیحیان در معرض آموزه ها و فرهنگ اسلامی بودن شکل گرفت. و نیز لازم به ذکر است که در معرض علوم و فرهنگ اسلامی بودن اصلی ترین عاملی بود که راه را برای رهایی از "قرون تاریک"^{۲۴} و ورود به رنسانس در اروپا باز کرد. جهت کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص دوستانمان را صمیمانه دعوت می کنیم به مطالعه مقاله "[اروپا، مسیحیت و اسلام](#)" در این سایت.

دوم اینکه عنوان "بانوی روزری" که کلیسای کاتولیک از آن برای نامیدن حضرت مریم سلام الله علیها استفاده می کند نه توسط خداوند اعطا شده است و نه توسط پیامبر خدا حضرت عیسی علیه السلام؛ و نه حتی به زمان زندگانی حضرت مریم سلام الله علیها بازمی گردد بلکه عنوان جدید و نوساخته ایست که از حدود قرن سیزده مسیحی و بر اساس به اصطلاح مکاشفه ای در یک روستای فرانسوی بوجود آمده است.

واژه "تسبیح" در عربی به معنای ستایش، پرستش و تنزیه الله سبحانه و تعالی و منزّه دانستن او از هر ند و شبیه است. تسبیح حضرت فاطمه سلام الله علیها مجموعه ای ست از اذکار خاص برای ستایش قادر یکتا که حضرت فاطمه سلام الله علیها برای شمردن آن ها دانه های تسبیح را ساختند. این تسبیح به نام ایشان نام گرفت چرا که پدر ایشان حضرت محمد صلی الله علیه و آله به دستور خداوند متعال سبحانه و تعالی بیش از ۱۴۰۰ سال پیش به ایشان اذکار خاص تسبیح الله را آموخت؛ و این روایتی ست که از آن زمان تا کنون، هم توسط شیعه و هم توسط سنی نقل شده است. حضرت محمد صلی الله علیه و آله به ایشان فرمودند که این تسبیح از ارزشمندترین چیزهاست. آن حضرت به حضرت فاطمه سلام الله علیها فرمودند که پس از هر نماز ۳۴ مرتبه تکبیر الله اکبر و ۳۳ مرتبه تحمید الحمد لله و ۳۳ مرتبه تسبیح سبحان الله بگویند که رویهم ۱۰۰ ذکر می شود. مجموعه این اذکار را تسبیح فاطمه سلام الله علیها می نامند. شایان تذکر است که از آن زمان تا کنون، به رشته دانه های ذکرشمار تسبیح می گویند.

بنابراین تسبیح حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها اولین رشته دانه های تسبیح در تاریخ است و ذکر های آن از سوی خداوند متعال توسط آخرین پیامبر بیش از ۱۴۰۰ سال قبل تعلیم داده شد. پس برای بیش از ۱۴ قرن حضرت فاطمه سلام الله علیها بانوی تسبیح بوده اند. اکنون اجازه دهید جوانب دیگر داستان فاطیما را مورد بررسی قرار دهیم.

²⁴ Dark Ages

بررسی مکاشفات و رازهای فاطیما

لازم به ذکر است که هرچند بنا بر مبانی کلیسای کاتولیک مکاشفات شخصی بار ارزشی ای بر باورهای کلیسای کاتولیک اضافه نمی کنند لیکن کلیسای کاتولیک از اعضای خود انتظار دارد که احتیاط کرده و مکاشفاتی را که کلیسا قابل باور شناخته است تصدیق کنند... از طرف کلیسای کاتولیک مکاشفات فاطیما به طور رسمی در اکتبر ۱۹۳۰ توسط اسقف لریا-فاطیما^{۲۵} قابل باور تشخیص داده شدند.^{۲۶}

اولین کامیونیون^{۲۷} -مشارکت مذهبی- لوسیا -راوی تجلی فاطیما- در شش سالگی اش رخ داد ... و او پس از اولین اعترافش در محراب بانوی روزری دعا کرد و دید که مجسمه بانوی روزری به او لبخند می زند... اولین کامیونیون لوسیا چنان تأثیر عمیقی بر او گذارد که گفت شوق و علاقه به امور دنیوی را از دست داده است و فقط در مکانی تنها احساس راحتی می کند... لوسیا در سال ۱۹۲۱ به اوپورتو^{۲۸} برده شد و در سن چهارده سالگی به عنوان دانش آموز شبانه روزی در مدرسه خواهران سنت دوروتی^{۲۹} در ویلار^{۳۰} در حومه شهر پذیرفته شد... در ۲۴ اکتبر سال ۱۹۲۵ به عنوان نامزد ورود به خدمت کلیسا وارد موسسه خواهران سنت دوروتی در صومعه ای در توی^{۳۱} اسپانیا، درست در آن سوی مرز شمالی پرتغال شد... لوسیا اولین پیمان های خود-عهد راهبگی و اطاعت از کلیسا- را در سوم اکتبر ۱۹۲۸ بست.^{۳۲}

یعنی تا سال ۱۹۳۰ -زمانی که کلیسای کاتولیک رسماً تجلی های فاطیما را قابل باور اعلام کرد- لوسیا، راوی داستان فاطیما، راهبه ای عهد بسته تحت تسلیم محض به واتیکان بود.

واژه نامه وبستر راهبه را اینگونه تعریف می کند: "عضو مؤنث یک مؤسسه مذهبی خاصاً کسی که با [سه] پیمان فقیر بودن، ارتباط با مردان نداشتن، و اطاعت کردن متعهد می شود."

بررسی معجزه خورشید

بنا بر ویکی پدیای انگلیسی از ژوئیه ۱۹۱۷ اینگونه ادعا می شد که آن بانو وعده معجزه ای در آخرین تجلی اش در سیزده اکتبر ۱۹۱۷ داده بود، تا همگان ایمان آورند. گفته شده است که جمعیتی گرد هم آمدند تا به اصطلاح معجزه ی موسوم به "معجزه خورشید" را مشاهده کنند.

²⁵ Leiria-Fátima

^{۲۶} از ویکی پدیای انگلیسی و از دائرة المعارف بریتانیکا

²⁷ Communion

²⁸ Oporto

²⁹ the Sisters of St. Dorothy

³⁰ Vilar

³¹ Tuy

^{۳۲} از دائرة المعارف ویکی پدیای انگلیسی

چنانچه جان دومارچی^{۳۳} در کتاب قلب مطهر چاپ نیویورک^{۳۴} می گوید یک شاهد عینی جمعیت را حدود سی هزار نفر برآورد کرده بود، در حالیکه شاهد عینی دیگری جمعیت را حدود صد هزار نفر برآورد کرده بود، اما غالباً تکرار می شود حدوداً هفتاد هزار نفر بوده اند.

طبق گزارش دایره المعارف های ویکی پدیای انگلیسی و استیت مستر گزارش های گوناگونی از آنچه در سیزده اکتبر ۱۹۱۷ رخ داد ارائه گردید. یک گزارش این بود که: "خورشید لرزید و حرکت های ناگهانی باورنکردنی انجام داد... بنا بر گفته ی عامه مردم خورشید رقصید."

در حالیکه گزارش دیگری ارائه شد که: "در یک لحظه خورشید با شعله های قرمز رنگی احاطه شد و در لحظه ی دیگر هاله ای زرد و بنفش پررنگ آنرا در بر گرفت، به نظر رسید در یک حرکت چرخشی با سرعتی فزاینده حرکت کرد و گویا بعضی اوقات از آسمان جدا می شد و با تشعشع حرارتی شدید به زمین نزدیک و..."

بر اساس گزارشات شاعری به نام آفانزو و معلمی به نام لویز به همراه شاگردانش همزمان در شهر آلبوریتا، حدود چهل کیلومتر دورتر، آن پدیده ی خورشیدی مشاهده شد. علی رغم این ادعاها بسیاری از شاهدان عینی گفتند چیزی شبیه رقص خورشید ندیدند. برخی فقط رنگ های مشعشع را دیدند و برخی دیگر من جمله برخی کسانی که ایمان هم داشتند اصلاً چیزی ندیدند.^{۳۵}

طبق کتاب مذکور دو مارچی، هیچ گونه حرکت یا پدیده دیگری از خورشید توسط دانشمندان در آن زمان ثبت نشد.

از آنجاییکه هیچ گونه سبب فیزیکی علمی نمی تواند برای تایید از این پدیده خورشیدی ارائه شود، توجیحات مختلفی برای توضیح شرح های ارائه شده توسط شاهدان عینی داده شده است. تخمین غالب، توهم گروهی ای است که در اثر عرق مذهبی مردم که در انتظار علامت پیش بینی شده بودند به وقوع پیوست.

تخمین دیگر احتمال ایجاد ساخته های بصری است در اثر خیره شدن به خورشید برای مدتی طولانی. چنانچه پروفیسور میسن از موسسه فیزیک دانشگاه کاتولیکی لون، گفته است که نگاه مستقیم به خورشید می تواند موجب ایجاد حلقه هایی نورانی و نایبایی موقت شود. از نظر او مشاهدات ارائه شده اثرات جانبی بصری در اثر خیره شدن طولانی به خورشید بودند. پروفیسور میسن ادعا کرد که رقص مشاهده شده خورشید، در اثر تصاویر مولد شبکیه، پس از مدتی خیره شدن به خورشید بودند. علاوه بر این پروفیسور میسن می گوید رنگ های مشاهده شده به احتمال زیاد در اثر بی رنگ شدن سلول های شبکیه ای حساس به نور بود.^{۳۶}

خدا می داند در آن سیزده اکتبر ۱۹۱۷ حقیقتاً چه چیزی رخ داد.

³³ De Marchi, John (1952)

³⁴ The Immaculate Heart Farrar, Straus and Young

^{۳۵} استنلی جکی، کتاب خدا و خورشید در فاطیما

God and the Sun at Fátima Real View Books; Jaki, Stanley L (1999)

^{۳۶} تجلیات و معجزات خورشید نوشته آگوست میسن مجمع بین المللی پورتو؛ اکتبر ۲۰۰۳ : ۲۳-۲۵

'Apparitions and Miracles of the Sun', Auguste Meessen, International Forum in Porto "Science, Religion and Conscience"

بررسی اسرار فاطیما

"طبق نقل لوسیا، آن زن در جریان تجلی هایش به کودکان سه راز محرمانه گفت، که در حال حاضر به عنوان سه راز فاطیما شناخته می شود."^{۳۷}

بیاید بخاطر داشته باشیم که سال ۱۹۱۷ تاریخ دریافت به اصطلاح سه راز فاطیما بود اما: لوسیا در سومین خاطره نامه^{۳۸} خود، نوشته شده در سال ۱۹۴۲، یعنی ۲۵ سال پس از ۱۹۱۷ نوشت که اولین راز صحنه ای از جهنم بود و دومین راز شامل پیش گویی در خصوص آغاز جنگ جهانی دوم بود؛ یعنی سه سال پس از آغاز جنگ جهانی دوم - توجه فرمائید که سه سال پس از وقوع جنگ جهانی دوم و نه پیش از آن - لوسیا تحت تسلیم محض به واتیکان، اعلام کرد که راز دوم شامل پیش گویی ای درباره جنگ جهانی دوم بوده است.^{۳۹}

"علی رغم گفته لوسیا که راز سوم می توانست پس از سال ۱۹۶۰ برای عموم آشکار شود، واتیکان راز سوم را تا ۲۶ جون ۲۰۰۰ مخفی نگاه داشت. برخی منابع از جمله کاتب بارتاس^{۴۰} و کاردینال اوتاویانی^{۴۱} گفتند که لوسیا به آن ها اصرار کرد که این راز تا سال ۱۹۶۰ باید آشکار شود... هنگامی که سال ۱۹۶۰ فرارسید واتیکان به جای آنکه راز سوم را فاش کند بیانیه ای رسمی منتشر کرد مبنی بر اینکه "به احتمال زیاد این راز برای همیشه سر به مهر خواهد ماند..." پس از این اعلانیه گمانه زنی های وسیعی صورت گرفت... برخی منابع ادعا می کنند که متن دست نوشته چهار صفحه ای راز سوم که در سال ۲۰۰۰ از سوی واتیکان منتشر شد راز حقیقی نبود... خصوصا گفته می شود کاردینال ها برتن رتزینگر^{۴۲} - که در حال حاضر پاپ بندیکت ۱۶ می باشد - و سودانو^{۴۳} در یک نیرنگ برنامه ریزی شده دست به دست هم دادند تا وجود سندی یک صفحه ای را مخفی کنند... در کنار متن راز، کاردینال آن زمان جوزف رتزینگر - که در حال حاضر پاپ بندیکت ۱۶ می باشد - شرحی منتشر کرد که در آن می گوید: "مطالعه دقیق متن آن به اصطلاح راز سوم فاطیما... پس از همه حدس و گمان هایی که در پی داشته است احتمالا ناامید کننده و غیرمنتظره خواهد بود. نه هیچ راز بزرگی فاش شده است و نه آینده ای آشکار شده است."^{۴۴}

و دائرة المعارف استیت مستر چند بهانه و عذر برای آشکار نکردن این راز لیست کرده است. برای مثال گفته است: "در ۱۱ نوامبر سال ۱۹۸۴ همانطور که در مجله کاتولیک پولسی عیسی، کاردینال رتزینگر - که در حال حاضر پاپ بندیکت ۱۶ می باشد - گفته است که او "متن راز سوم را خوانده" زمانی که از او پرسیده شد که چرا آن

^{۳۷} ویکی پدیای انگلیسی

^{۳۸} Third Memoir

^{۳۹} از دائرة المعارف های ویکی پدیا انگلیسی و استیت مستر

^{۴۰} Canon Barthas

^{۴۱} Cardinal Ottaviani

^{۴۲} Bertone Ratzinger

^{۴۳} Sodano

^{۴۴} ویکی پدیای انگلیسی

راز را فاش نکرده است پاسخ داد که "به قضاوت پاپ های قبلی، این راز سوم چیزی به آنچه مسیحیان لازم است درباره سفر مکاشفات بدانند اضافه نمی کند."

پس اگر آن به اصطلاح راز بسیار مهم، قابل تأمل و تعیین کننده نبود چرا واتیکان آن را برای ۸۳ سال مخفی نگاه داشت!!! و چرا پس از آن آنچه منتشر شد نسخه اصلی متن راز نبود؟!؟! به نظر می رسد که واتیکان به راحتی حقیقت را پشت تمام پنهان کاری ها مخفی نمود.

علاوه بر این دائرة المعارف استیت مستر فاش می سازد که: اتهاماتی وجود داشته است مبنی بر تلاشی جهت پنهان ساختن پیام فاطیما توسط مسئولان کلیسایی در کلیسای کاتولیک من جمله نیت پشت پرده تحمیل فرمان سکوت بر خواهر لوسیا. لوسیا قبلا به عنوان یک خواهر کاتولیک تحت فرمان های سکوت بود و بدون اجازه هیچ مصاحبه ای نمی کرد و سخنی برای عموم نمی گفت... اما پس از آنکه واتیکان در سال ۱۹۶۰ از انتشار راز سوم خودداری کرد زمانی که خبرنگاران در پی خواهر لوسیا بودند دریافتند که ملاقات با او به طور مضاعف مشکل شده بود. او نه تنها از آشکار کردن راز سوم بلکه مطلقا از سخن گفتن درباره راز سوم هم منع شده بود. از سال ۱۹۶۰ به بعد او نمی توانست ملاقات کننده ای جز اقوام نزدیکش را ببیند. حتی به ، پدر آپاریسیو - کشیشی که لوسیا سالیان سال نزد او اقرار کرده بود و در برزیل به سر می برد- زمانیکه به پرتغال برگشت اجازه ملاقات داده نشد. او گفت: "من قادر به صحبت کردن با لوسیا نبودم چرا که اسقف اعظم نمی توانست اجازه ملاقات او را بدهد. شرایط انزوایی که او -لوسیا- خود را در آن یافته است توسط مقرر مقدس -دفتر پاپ- به او تحمیل شده است. در نتیجه هیچ کس بدون مجوز از رم -واتیکان- نمی تواند با او صحبت کند." بیش از ۴۰ سال بعد، خواهر لوسیا تحت فرمان سکوت تحمیلی باقی ماند. فقط پاپ ژان پل دوم یا کاردینال رتزینگر- که در حال حاضر پاپ بندیکت شانزدهم ست- می توانست اجازه لازم برای او برای صحبت کردن در انتظار عموم یا ملاقات شدن را -که هرگز هم اجازه اش داده نشد- صادر کند.^{۴۵}

دائرة المعارف استیت مستر به نقل از همان منبع ادامه می دهد: در ۱۵ نوامبر ۱۹۶۶ پاپ پل ششم اصلاحی در قانون کلیسا اعمال کرد ... و قانون های شماره ۱۳۹۹ و ۲۳۱۸ را باطل اعلام کرد. این قانون ها علاوه بر مسائل دیگر، انتشار هرگونه مطلب در خصوص هرگونه مکاشفه (تایید شده یا نشده) را بدون اخذ قبلی مجوز چاپ از یک اسقف، ممنوع و جریمه می کرد. پس از تغییر قانون، هرفردی در کلیسا اجازه داشت آزادانه مکاشفات حضرت مریم، و از آن جمله مکاشفات فاطیما، را چاپ کند. اما هنوز خواهر لوسیا اجازه آشکار کردن راز سوم را نداشت. او تا زمان مرگش در فوریه سال ۲۰۰۵ تحت فرمان سکوت باقی ماند و نمی توانست آزادانه بدون اجازه مخصوص از سوی واتیکان درباره فاطیما صحبت کند.

پس اگرچه "هر فردی در کلیسا اجازه داشت تا آزادانه مکاشفات را چاپ کند... خواهر لوسیا هنوز اجازه آشکار کردن راز سوم را نداشت. او تا زمان مرگش تحت فرمان سکوت باقی ماند..."

^{۴۵} به نقل از تأیید و تهاجم کلیسا بر فاطیما (۱۹۳۰-۲۰۰۴) بازنگری شده در سال ۱۳/۵/۲۰۰۷

اندیشه بر انگیز است که افرادی گزارش کردند که بانوی تجلی گفته است "من فاطمه هستم، دختر پیامبر اسلام."

بررسی علت انتخاب نام فاطیما در میان کاتولیک ها

البته کاملاً منطقی است که پرتغالی هایی که اسلام آورده بودند نام فرزندانشان را فاطیما می گذاشتند اما قابل تامل است که از آن زمان تا کنون بخاطر آن به اصطلاح مکاشفه در میان کاتولیک ها خصوصاً کاتولیک های اسپانیایی تبار هم رایج شده است که نام دخترانشان را فاطیما می گذارند. این مسئله این پرسش را در ذهن متبادر می سازد که نیت نام گذاری اولین فردی که پس از مکاشفه نام فاطیما گرفت چه بوده است؟ از طرفی کاری بی معناست که کسی نام یک روستا را روی فرزندش بگذارد و از طرف دیگر اگر بانوی تجلی واقعا حضرت مریم سلام الله علیها بود و با توجه به اینکه فاطیما نام دختر پیامبری بود که کاتولیک ها او را باور ندارند چرا آن ها نام فرزندان خود را فاطیما می گذارند و نه مریم!!!

این امر موجب بوجود آمدن این فکر می شود که شاید بانوی تجلی حقیقتاً چیزهایی گفته است که محبت و ایمان به حضرت فاطمه سلام الله علیها را در قلب های مردم بیدار کرده است و در نتیجه از آن پس نام دخترانشان را فاطیما می گذارند؛ اما پس از گذشت زمان حقایق تحریف شدند اگرچه سنت نام گذاری دختران به نام فاطیما به عنوان نشانی باقی برجا ماند.

بررسی پنهان کاری های کلیسا

ویکی پدیا انگلیسی می گوید: "لوسیا در سیزدهم فوریه ۲۰۰۵ در سن ۹۷ سالگی درگذشت. پس از مرگ او واتیکان خصوصاً کاردینال جوزف رتزنگر- که در آن زمان هنوز رئیس کنگره دکترین مذهب بود و در حال حاضر هم پاپ بندیکت شانزدهم است- دستور داد تا سلول او -لوسیا- مهر و موم شود. باور بر اینست که دلیل این کار این بوده که خواهر لوسیا مکاشفات دیگری داشته است و واتیکان در راستای پذیرش احتمالی قدیسه بودن او، ملزم به بررسی شواهد بود."

بنابراین واتیکان، خصوصاً پاپ کنونی دستور داد که سلول او به جهت بررسی شواهد مکاشفات مهر و موم شود! شاید اثر انگشت ارواح نیاز به بررسی داشت!!!

در اینجا نکته مهم دیگری را باید بخاطر بسپاریم: از آنجایی که راهبه ها پیمان اطاعت محض از پاپ و کلیسای کاتولیک می بندند و لوسیا هم همانطور که قبلاً اشاره شد این پیمان را بست پس آنچه که او در طی سال های راهبگی - که در واقع کل زندگی او پس از واقعه فاطیماست- نگاشته است یا واتیکان به نام او نگاشته قطعاً مطابق با دستورات کلیسا بوده است. با این حال با توجه به دستور سکوت که بر او تحمیل شده بود، کاملاً منطقی است که حدس بزنیم که کلیسا نگران بوده است که مبادا او چیزهای اضافه ای که مورد تایید کلیسا نبود بنویسد؛ بنابراین با مهر و موم کردن سلول او شاید واتیکان می خواست مطمئن شود که او هیچ چیزی غیر از آن نوشته های گوناگون قبلیش که توسط کلیسا جهت دهی و چاپ شده بود، ننوشته باشد.

نوشته های چاپ شده از سوی لوسیا در طول دوران راهبگی اش، علاوه بر ادعای مکاشفات بسیار دیگر، شامل جزئیات بسیاری در خصوص داستان فاطیما بود که او و دو کودک دیگر هرگز در زمان واقعه در سال ۱۹۱۷ به آن ها اشاره نکرده بودند. در میان جزئیات اضافه شده تایید و تصدیق باورهای تحریف شده کلیسا من جمله تثلیث وجود دارد.

بررسی منشاء تثلیث

تثلیث بدعت کلیسای روم است و تثبیت آن بدعت آن به قرن پنجم مسیحی بر می گردد^{۴۶} یعنی مفهوم تثلیث بیش از چهارصد سال پس از پیامبر خدا، حضرت عیسی علیه السلام، به طور رسمی تثبیت شد. تثلیث ریشه در باورهای کافران باستان دارد. برخی از این تثلیث ها که در میان کافران و مشرکان باستان وجود داشته است در بسیاری از کتاب ها از جمله "مسیحیت: برخی منابع آموزه ها و نمادگرایی های آن" چاپ لندن، قرن ۲۰ مسیحی، نوشته جی، بی هنی^{۴۷} لیست شده است.

شما را صمیمانه دعوت می کنیم به مطالعه مقاله "[ناگفته هایی از عید پاک](#)" در این سایت که در آن به برخی فرهنگ های کفری که بر مسیحیت تاثیر گذاشتند و خداهای سه گانه آن ها اشاره شده است؛ همچنین به "[تثلیث ۱](#)" و "[تثلیث ۲](#)" از سلسله نوشتارهای استاد دکتر فریدونی.

در طول تاریخ بسیاری از مردمی که در مقابل تثلیث در مسیحیت مقاومت کردند به صورت وحشیانه ای اعدام شدند؛ یکی از این افراد، پزشکی اسپانیایی به نام مایکل سروتوس^{۴۸} بود که در ژنوا سوئیس در ۲۶ اکتبر ۱۵۵۳ مسیحی در سن ۴۲ سالگی به همراه کتابش به نام "اشتباهات تثلیث"^{۴۹} که به دور کمرش بسته بودند در آتش سوزانده شد.

او در بخشی از کتابش گفته بود:

"فیلسوفان یک وجود مجزای سومی که حقیقتا و واقعا از آن دو دیگر متمایز است اختراع کردند که آن را نفر سوم یا روح القدس می نامند و تثلیثی خیالی، "سه وجود در یک ماهیت" را طرح ریزی کردند. اما در واقع سه خدا یا یک خدای سه گانه را به نام "وحدانیت" با فریب و تزویر به ما قالب کردند؛ و در حالیکه این سه را -که پس از اختراع خود اقا نیم می نامند- تصدیق می کنند آزادانه تعدد وجود، تعدد جوهر، تعدد ذات و تعدد ماده را تایید می کنند. و در حالیکه به جد نام خداوند را بر آن حمل می کنند تعدد خدایان را پذیرفتند... اگر چنین است پس چرا سه خدا پرستان ها^{۵۰} که قائل به وجود سه خدا هستند مورد اتهام قرار گرفته اند، در صورتی که آنان هم سه خدا یا یک خدای سه گانه ابداع کرده اند... ما کافر شده ایم، انسان هایی بدون خدا. چرا که به محض آنکه می کوشیم

^{۴۶} واژه نامه جهانی عهدین The Universal Bible Dictionary

^{۴۷} J. B. Hannay

^{۴۸} Michael Servetus

^{۴۹} The Errors of Trinity

^{۵۰} Tritorites

درباره خداوند بیاندیشیم به سمت سه شَبَح کشانده می شویم و در نتیجه هیچ نوع وحدانیتی در تصور ما باقی نمی ماند...

قرآن در این باره می فرماید:

"لقد كفر الذين قالوا ان الله ثالث ثلاثة و ما من اِله اِلا اِله واحد و ان لم ينتهوا عما يقولون ليمسن الذين كفروا منهم عذاب أليم"

آنها که گفتند: خداوند، یکی از سه خداست به یقین کافر شدند؛ معبودی جز معبود یگانه نیست و اگر از آنچه می گویند دست بردارند، عذاب دردناکی به کافران آنها خواهد رسید.^{۵۱}

بررسی احتمالات

ما در این مقاله تنها کوشیده ایم تا حقایق خاصی را به دوستان منصف و خردمند خود ارائه کنیم؛ پنهان کاری ها و شواهد به این حقیقت اشاره دارند که حقیقت پیرامون این به فرض مکاشفه فاطیما بسیار تحریف شده است لیکن ما اصرار نداریم که بگوییم که بانوی تجلی در فاطیما حضرت فاطمه سلام الله علیها بوده است، البته اگر آن بانو حضرت فاطمه سلام الله علیها بودند و از آنجایی که ایشان بسیار مهربان و خیرخواه به بشریت هستند حتما توجه اصلی ایشان به نجات مسیحیان از مسیر تحریف شده ای که انتخاب کرده اند می بود و هدفشان هدایت ایشان به رستگاری جاویدان از طریق دعوت دوباره آنان به حقیقت الله می بود؛ و اگر آن بانو حضرت مریم سلام الله علیها بودند قطعاً مسیحیان را به همان حقیقت الله دعوت می کردند؛ و اگر ایشان حضرت مریم سلام الله علیها بودند حضرت فاطمه سلام الله علیها را دوباره به مسیحیان معرفی می کردند تا شاید آنان نور حق را ببینند؛ و شاید این جمله از کتاب مکاشفات فعلی را میخواندند: -آخر در میان تحریفات شعاع هایی از نور الله هنوز می درخشد- و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد، زنی که آفتاب را در بر دارد و ماه زیر پای هایش و بر سرش تاجی از دوازده ستاره است.^{۵۲}

همانطور که مسیحیان باور دارند این عبارت مکاشفه ای درباره آینده در آخر الزمان است؛ بانویی با شکوه با دوازده ستاره! این بانو چه کسی جز حضرت فاطمه سلام الله علیها و دوازده امام معصوم علیهم السلام، دوازده ستاره درخشان بر تاج افتخار آن بانو، می تواند باشد؟!

دوستانمان را دعوت می کنیم به مطالعه کتاب "[محمّد و آل محمّد صلی الله علیهم اجمعین وعده کتاب](#)

مقدس" در این سایت maseeh.ir

و شاید همه چیز تصور آرزومندان سه کودک تحت تاثیر بینش روستایی حامی دین در مقابل دیدگاه شهری سکولار در آن زمان بوده است و... گفته شده است که "کودکان لوسیا را دوست می داشتند و ستایش می کردند. او داستان پرداز و افسانه سرایی توانا و حکایت گویی با استعداد بود... پدر دو مارچی گفت که او کودک زیبایی نبود ... مادرش به خوبی این مسئله را که کوچکترین دخترش مکاشفاتی داشت نپذیرفت زیرا که فکر می کرد او

^{۵۱}سوره مائده (۵)، آیه ۷۳

^{۵۲}سفر مکاشفات، فصل دوازدهم، عبارت اول

تنها برای جلب توجه دروغ می گوید.^{۵۳} علاوه بر این از خود لوسیا نقل شده است که گفت: "وقتی که این دعای حقیر را بارها و بارها در حالی که به مجسمه بانو خیره شده بودم تکرار کردم به نظر رسید که مجسمه بانو با یک نگاه مهربان و حرکت محبت آمیز به من لبخند زد که اطمینان دهد دعای مرا قبول کرده است..."^{۵۴}

در هر حال الله اعلم. لیکن تفکر برانگیز است که اگرچه در میان مسیحیان چنین به اصطلاح مکاشفاتی بسیار گزارش شده است این مورد خاص که نامی باشکوه، "فاطیما" دارد بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

عظمت نام فاطمه

آری تنها بر زبان جاری کردن نام فاطمه (فاطیما) آنچنان شکوهمند و با عظمت است که ورای درک بشر می باشد؛ این نام درهای بسته را می گشاید، بیماری ها را شفا می دهد و ... چه رسد به دوست داشتن و اعتقاد به جایگاه خدای فاطمه سلام الله علیها به عنوان یکی از مطیعترین و محبوبترین بندگان خدای یکتا و ایمان به ولایت ایشان و پدر و شوی شان و فرزندان شان علیهم السلام. از خداوند می خواهیم که در ظهور مولایمان حضرت مهدی فاطمه علیهما السلام^{۵۵} و به دنبال آن رجعت عیسی مریم علیهما السلام^{۵۶} است تعجیل فرماید تا حقیقت آشکار شود.

ما مسلمانان به چنین داستان هایی برای اثبات حقانیت دین اسلام حقیقی نیاز نداریم؛ تنها با مقایسه شخصیت حضرت مریم سلام الله علیها آنگونه که در مسیحیت تحریف شده ارائه شده است با شخصیت زیبایی که از آن حضرت در اسلام حقیقی ارائه شده است برای هر فرد منصف حق جویی که واقعا خداوند را دوست دارد حقیقت روشن تر از نور روز می گردد و این چیزی ست که ما در ادامه مطلب در پی آن هستیم.

گناه نخستین

ابتدا باید بدانیم مفهوم "گناه نخستین" که مورد اعتقاد مسیحیان است چیست؟ مسیحیان بر این باورند که حضرت حوا علیها السلام با خوردن از درختی که خداوند خوردن از آن را ممنوع کرده بود "گناه نخستین" را مرتکب شد.^{۵۷}

در عهد جدید از پولس -کسی که حق وصایت اعطا شده از سوی خداوند متعال را از شمعون صفا^{۵۸} غصب کرد- نقل شده است که حضرت حوا گناهکار بود:

^{۵۳} از ویکی پدیا انگلیسی

^{۵۴} فاطیما به روایت لوسیا Fatima in Lucia's Own Words

^{۵۵} سفر مکاشفات، ۶:۲

^{۵۶} سفر مکاشفات، ۱:۷

^{۵۷} عهد عتیق، سفر پیدایش، ۶-۱-۳

^{۵۸} Simon Peter

و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر شوهر مسلط شود بلکه در سکوت بماند. زیرا که آدم اول ساخته شد و بعد حوا. و آدم فریب نخورد بلکه زن فریب خورده، درتقصیر گرفتار شد.^{۵۹}

مسیحیان معتقدند که هر انسانی که به دنیا می‌آید آن "گناه نخستین" را به ارث می‌برد پس گناهکار و ناپاک به دنیا می‌آید و این یکی از دلایل غسل تعمید کودکان است.

"آگوستین آف هیپو^{۶۰} تعلیم داد که ... اگر شیطان ریشه شر را در شعور آنان نکاشته بود این گناه خاص اتفاق نمی‌افتاد... پس از ارتکاب این گناه طبیعت انسان تغییر شکل داد. آدم و حوا از طریق تولیدمثل جنسی طبیعت انسان را مجدداً خلق کردند. اکنون نسل آن‌ها در گناه زندگی می‌کند... آگوستین باور داشت که تنها مقصدهای حتمی ارواح بهشت و جهنم هستند. او نتیجه گرفت که نوزادانی که غسل تعمید نیافته‌اند در نتیجه گناه نخستین به جهنم می‌روند."^{۶۱}

اما ویکی پدیا در ادامه می‌گوید: "برخی مسیحیان دکترین «گناه نخستین» یا «گناه اجدادی» را که در عهدین^{۶۲} یافت نمی‌شود، نمی‌پذیرند."

از طرف دیگر "کسانی که از این دکترین حمایت می‌کنند به آموزه‌های پولس در رومیان ۵: ۱۲-۲۱ و در قرن‌تین اول ۲۲: ۱۵ به عنوان مبنای مطابق متن کتاب مقدس این دکترین می‌نگرند."^{۶۳} همین دکترین تحریف شده موجب خلق این باور غلط که زن سرچشمه گناه است شد.

"آیا می‌دانید که هر یک از شما یک حوا است؟ عقاب الهی بر جنسیت شما در این عصر وجود دارد؛ و نیز گناه هم لزوماً می‌بایست وجود داشته باشد. شما دروازه‌های شیطان هستید؛ شما شکننده مهر درخت ممنوعه هستید؛ شما اولین ترک‌کنندگان قانون الهی هستید؛ شما همان کسی هستید که آدم را فریب داد زمانی که شیطان به اندازه کافی شجاع نبود تا به او حمله کند. شما به راحتی تصویر خدا در مرد را ویران کردید. به خاطر ترک شما (یعنی مرگ) حتی پسر خدا مجبور بود بمیرد."^{۶۴}

شایان تذکر است که حقیقتاً بر اساس قواعد فلسفی وارداتی ای مثل درنظر گرفتن ارتباط علت و معلول ست که مسیحیان این دکترین را ابداع کردند؛ یعنی دکترین گناه نخستین از فلسفه یونان نشأت گرفت، فلسفه ای که پولس نیز کاملاً با آن آشنا بود:

"در افلاطونیزم و گونه‌های پیرو آن پرسش علت و ماهیت شیطان اساسی بود. این فرض کلی که گناه و شیطان آنتولوژی‌یکال است (ماهیت حقیقی دارد) صغری کبری اصلی دکترین گناه نخستین را شکل داد. گناه برای آنکه

^{۵۹} رساله تیموتائوس، باب ۲، عبارات ۱۱ الی ۱۴

^{۶۰} Augustine of Hippo, (354-430)

^{۶۱} ویکی پدیای انگلیسی

^{۶۲} Bible

^{۶۳} واژه نامه آکسفورد کلیسای مسیحی، چاپ دانشگاه آکسفورد ۲۰۰۵، مقاله "گناه نخستین"

Christian Church Oxford Dictionary

^{۶۴} ترتولین قدیس - St. Tertullian - de Coltu Feminarum

به ارث برده شود باید ماهیت، وجود واقعی، داشته باشد؛ گناه باید مرکب از چیزی باشد که انتخاب و فعل بد را موجب می شود، به جای آنکه ویژگی اخلاقی خود انتخاب باشد... به نظر می رسد که تنظیم کنندگان و توضیح دهندگان (طرفداران) دکترین گناه نخستین از عهدین به عنوان نقطه آغاز استفاده نکردند. به همین دلیل است که این دکترین به خودی خود از تفاسیر عهدینی استنباط نشد...^{۶۵} آریجین^{۶۵} به جای خود عهدین بیشتر از تجربه شخصی اش - ستیزش با وسوسه و زندگی شکست آلودش در مقابل گناه - و از این ایده و ایده نهفته در غسل تعمید دادن نوزادان برای کمک به تثبیت دکترین گناه نخستین استفاده کرد، سپس آگوستین این دکترین جدیداً خلق شده را توسعه داد... و در نتیجه دکترین گناه نخستین در کلیسا، ابتدا در غرب و سرانجام در شرق^{۶۶} به صورت رسمی تثبیت شد...^{۶۷}

بنابر این مسیحیان اساساً اعتقاد دارند که نوزادان هنگام تولد "گناه نخستین" را به ارث می برند و در نتیجه گناهکار هستند، با وجود اینکه نوزاد بیچاره هیچ گناهی مرتکب نشده باشد!!! آن ها همچنین اعتقاد دارند که جزای گناه، مرگ است و به اعتقاد آنان به همین دلیل است که انسان می میرد چرا که انسان ها - چه خود گناهی مرتکب شده باشند یا نشده باشند - همه گناهکار به دنیا می آیند. در نتیجه آن ها معتقدند که از آنجایی که همه انسان ها گناهکارند و برای گناهشان باید بمیرند پس نمی توانند زندگی ابدی داشته باشند و جاودانه رستگار شده و وارد بهشت شود؛ بنابراین تصمیم گرفتند که بگویند که خداوند خود برای گناهان آن ها مرد تا جزای گناهان انسان را بپردازد تا انسان بتواند در بهشت زندگی جاودان داشته باشد!!! بنابراین خداوند نامحدود، یک انسان ضعیف - پسر خودش (عیسی) شد و برای گناهان بشر شکنجه و کشته شد. و اینک که خداوند برای گناهان بشریت مرده است جزای گناهان بشر داده شده و انسان لازم نیست نگران باشد چرا که نه تنها "گناه نخستین" بخشیده شد بلکه همه گناهان گذشته و حال و آینده او هم بخشیده شد. پس انسان ها می توانند هر گناهی که می خواهند مرتکب شوند چرا که با خون خدا نجات یافتند و در بهشت زندگی جاودان خواهند داشت!!! سبحان الله

شواهد تاریخی رسوخ کفر در مسیحیت

در اینجا اجازه دهید چند عبارت از تاریخ نویس مشهور ویل دورانت و از کتاب او نقل کنیم:
"مسیحیت کفر را نابود نکرد بلکه آن را پذیرفت"^{۶۸}

^{۶۵} Origen

^{۶۶} افسس 431 Ephesus مسیحی

^{۶۷} تاثیر فلسفه یونان بر رشد الهیات مسیحی نوشته جی دابلیو جیپسون، دکترای الهیات مسیحی

The Influence of Greek Philosophy on the Development of Christian Theology, J. W. Jenson, D. Min

^{۶۸} "سزار و مسیح" چاپ نیویورک: سیمون سال ۱۹۴۴ جلد سوم تاریخ تمدن یازدهم جلدی ۱۹۳۵-۷۵، ص ۵۹۵

دورانت زمانی که می گوید کلیسای اسکندری قرن دوم - که از آن کلمنت و اوريجين آمدند- "مسيحيت و فلسفه يونان را ممزوج کرد"^{۶۹} فلسفه را با مسيحيت گره می زند.

دورانت درباره فيلسوف کافر مشهور-پلوتينيوس-^{۷۰} اينگونه می نويسد: "مسيحيت تقريباً همه خطوط او را پذيرفت..."^{۷۱}

دورانت می افزايد: "با [اوريجين] مسيحيت ديگر ايمان مايه تسلي نبود بلکه تبديل به يک فلسفه کامل شد..."^{۷۲} دورانت مسيحيت نخستين را خلاصه می کند: "در مسيح و پطرس؛ مسيحيت يهودی بود؛ پولس آن را نيمه يونانی کرد و کاتوليزم آن را نيمه رومی کرد"^{۷۳}

دقت داشته باشيم که ويل دورانت به وضوح به نقش فلسفه کفر در اعتقادات مسيحيت اشاره کرده است؛ او خاطر نشان می سازد که مسيحيت نخستين با آموزه های مسيح و پطرس -پيامبر الهی و جانشين او، وصی برگزيده الهی- در خط آموزه های پيامبران پيشين -البته آموزه های پيش از تحريفات- بود. و او در ادامه می افزايد که آموزه های مسيح و پطرس توسط پولس -غاصب حق پطرس- تغيير کرد و نيمه يونانی شد و بعدها توسط کليسا بيش از پيش تحريف شده و نيمه رومی شد.

بله اينگونه بود که آموزه های حضرت عیسی و شمعون (پطرس) عليهم السلام تحريف شد، فرآیندی که همچنان ادامه دارد. بسيار مهم است که اشاره کنيم که اگرچه کليسای کاتولیک برای پطرس مقام و احترام بسيار قائل است ليکن از آموزه های پولس، فلسفه و ... پيروی می کند در نتيجه ما همه بايد متوجه باشيم که تنها ادعای محبت کردند و احترام گذاشتن به پيامبران و جانشينان برگزيده آنان کافی نيست بلکه محبت و احترام حقيقي لازم است و محبت حقيقي پذيرفتن ولايت آنان و پيروی از آموزه های الهی ايشان است. اينک شايد بهتر در می يابيم که شيطان چگونه با دعوت به پيروی از آموزه های زبان بار غاصبان و استفاده از ابزارهای محدود، خيالی و ساخته بشر مثل فلسفه، عرفان و ... به جای پيروی از آموزه های الهی که از طريق پيامبران برگزيده و معصوم او و جانشينان برگزيده و معصوم ايشان عليهم السلام به مردم ابلاغ می شود انسان ها را به سوی تباهی و گمراهی می کشاند!

شخصيت حضرت مريم سلام الله عليها از دیدگاه مسيحيت

اکنون که تا اندازه ای مفهوم "گناه نخستين" را درک کردیم اجازه دهيد به موضوع خود بازگردیم يعنی آنگونه ای که شخصيت حضرت مريم پاک سلام الله عليها توسط مسيحيان ارائه می شود يا دقيق تر بگوئيم آنگونه که به غلط ارائه می شود!

^{۶۹} همان، ص ۶۱۳

^{۷۰} Plotinus

^{۷۱} سزار و مسيح، ص ۶۱۱

^{۷۲} همان، ص ۶۱۵

^{۷۳} همان، ص ۵۷۹

با قاعده تحریف شده و ساخته بشری "گناه نخستین" حتی حضرت مریم سلام الله علیها نیز باید گناه کار محسوب می شد:

"در برخی گروه ها [کاتولیک ها...] مریم به دلیل نقشش در به دنیا آوردن عیسی ستایش و تکریم می شود اما باید به خاطر داشت که او هم یک گناهکار، دختر آدم بود ... او شایسته عنوان مادر خدا که برخی به او می دهند نیست..."^{۷۴} این، خلاصه اعتقاد پروتستان های کنونی ست.

و در خصوص کاتولیک ها، نقل های زیر نمونه ای ست به ترتیب تاریخی از اعتقاد آن ها در باب مریم سلام الله علیها که بر اساس عقیده تحریف شده "گناه نخستین" است:

آگوستین اسقف هیپو^{۷۵}: "هر جسمانیت گناه آلودی که عیسی گرفت از جسمانیت گناه آلودی مادرش گرفت. عیسی در گناه شرکت نداشت اما آن را از مادرش گرفت و تحت جزای گناه قرار گرفت (که باعث مرگ عیسی شد)"
"او، مسیح به تنهایی، انسان شده اما همچنان خدا باقی مانده هرگز گناهی نداشت و نه هرگز جسمانیت گناه آلودی گرفت. اگرچه جسمانیت گناه آلودی مادرش را گرفت."

"اگر حسب وظیفه عهدین را و گفته های دکتوران الهی باستان و امروزی را که بیشترین جانسپاران باکره با شکوه بودند در نظر بگیریم، از کلام آنها آشکار است که او در گناه آستن شد^{۷۶} .

اما بعدها کاتولیک ها دریافتند که مشکل بزرگی وجود دارد و آن اینست که: اگر مریم گناه کار بود و گناه نخستین می بایست به فرزند او به ارث می رسید چگونه خدای بی گناه یعنی عیسی از مریم گناهکار به دنیا آمد؟ پس آن ها تصمیم گرفتند به طریقی این مشکل را حل کنند. راه حل آن بود که آن ها مریم را هم مانند عیسی بی گناه سازند اگرچه آموزه های خود آن ها آشکارا سخن از گناهکار بودن مریم داشت!!!

بنابراین این دکتورین که مریم بی گناه است دکتورینی جدید ست و نه دکتورینی سنتی. در سال ۱۵۴۷ در شورای ترنت^{۷۷} ، کلیسای کاتولیک بی گناهی مریم را که او را قادر می ساخت که از گناهان صغیر اجتناب کند اعلام کرد. در سال ۱۶۲۰ پاپ پل پنجم^{۷۸} هرگونه بیان عمومی را که ضدیت با آموزه معصومیت مریم داشت تهدید به تکفیر و ممنوع اعلام کرد.

در سال ۱۶۲۲ پاپ گرگوری پانزدهم^{۷۹} هر گونه بیان حتی در خلوت مخالف آستنیتی مطهر مریم را ممنوع کرد. و اینچنین ترفیع مقام مریم یا آنگونه که مسیحیان می گویند، مادر بخش انسانی خدا، به صورت رسمی آغاز شد. حالا مسئله دیگری می بایست حل می شد. مسیحیان معتقدند که خداوند یکتا بی گناه است. یعنی آن ها معتقدند که تنها خدای پدر، خدای پسر و روح القدس که سه خدا و در عین حال یک خدا هستند! اما

^{۷۴}ام.پی.ال دانتمن M. P. L. Dunteman

^{۷۵} Augustine Bishop of Hippo

^{۷۶}کاردینال کجتن Cardinal Cajetan, De Loc Theol. parts c. 2

^{۷۷} Trent

^{۷۸} Pope Paul the 5th

^{۷۹} Pope Gregory the 15th

اکنون برای حل این مشکل فلسفی آنها می بایست مریم را هم بی گناه سازند و برای آنکه او را بی گناه سازند می بایست او یک خدا می شد!

بنابراین پاپ پائیس چهارم^{۸۰} در سال ۱۸۵۴ این مشکل را اینگونه حل کرد: "اجازه دهید که همه فرزندان کلیسای کاتولیک ... اقدام کنند به پرستش، دعا کردن و نیایش مریم باکره مقدس، مادر خداوند، باردار شده بدون گناه نخستین"

و اینچنین مریم حقیقتاً یک الهه شد "اجازه دهید که همه فرزندان کلیسای کاتولیک اقدام کنند به پرستش...مریم باکره مقدس"

اینک مشکلی دیگری می بایست حل می شد: بنابر اعتقاد کاتولیک ها خدا یا بهتر بگوییم خدایان در حالی که بی گناهند نباید بمیرند چرا که آن ها معتقدند که مرگ جزای گناه است. مسئله ای نیست! آن ها این مشکل را هم حل کردند!

در سال ۱۹۵۰ پائیس دوازدهم^{۸۱} گفت: "مریم، مادر باکره و ابدی و معصوم خداوند پس از خاتمه زندگی زمینی اش با جسم و روح به ملکوت آسمان عروج کرد."

در اول نوامبر ۱۹۵۰ مرکز Munificentissimus Deus رسماً عقیده عروج مریم به آسمان را اعلام کرد. این عقیده تاکید دارد که: "مریم باکره، مادر معصوم خدا، زمانی که دوره زندگی اش به پایان رسید جسم و روحش به ملکوت آسمان برده شد."^{۸۲}

لیکن هنوز مشکل دیگری وجود دارد که کاتولیک ها تا به امروز آن را حل نکرده اند: آیا اینگونه نیست که تثلیث به معنای سه خدایی ست اما اکنون تثلیث تبدیل به **تربیع** شده است: خدای پدر، خدای پسر، روح القدس، و مریم !!! شاید این مشکل هم در سال های آینده توسط کلیسا حل شود!!!

ما می خواهیم پرستی بسیار ساده از مسیحیان بیسیم: شما چگونه ادعا می کنید که مسیحیت دین خداست در حالی که آموزه های آن از انسان هاست و نه از سوی پیامبر خدا!!؟

اینک بنگریم چگونه قرآن کریم بالغ بر هزار و چهار صد سال پیش از امری سخن گفت که می رفت تا قرن ها بعد تثبیت شود، همان امری که حضرت عیسی علیه السلام در قیامت درباره آن مورد سوال قرار خواهد گرفت، امر نسبت الوهیت دادن به حضرت مریم سلام الله علیها:

"و إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي الْهَيْبَةَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالِ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَ لَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنْ أَنْتَ عَلَامُ الْغُيُوبِ.

⁸⁰ Pius

⁸¹ Pius the 12th

⁸² Acta Apostolicae Sedis, 32 [1950], pp. 753-73

ما قلت لهم إلا ما أمرتني به أن اعبدوا الله ربي وربكم و كنت عليهم شهيدا ما دمت فيهم فلما توفيتني كنت أنت الرقيب عليهم وأنت على كل شيء شهيد.

و آن گاه که خداوند به عیسی بن مریم می گوید: آیا تو به مردم گفتی که من و مادرم را بعنوان دو معبود غیر از خدا انتخاب کنید؟! او می گوید: منزهی تو! من حق ندارم آنچه را که شایسته من نیست، بگویم! اگر چنین سخنی را گفته باشم، تو می دانی! تو از آنچه در روح و جان من است، آگاهی و من از آنچه در ذات توست، آگاه نیستم! به یقین تو از تمام اسرار و پنهانی ها با خبری.

من، جز آنچه مرا به آن فرمان دادی، چیزی به آنها نگفتم؛ (به آنها گفتم:) خداوندی را بپرستید که پروردگار من و پروردگار شماست! و تا زمانی که در میان آنها بودم، مراقب و گواهمان بودم؛ ولی هنگامی که مرا از میانشان برگرفتی، تو خود مراقب آن ها بودی؛ و تو بر هر چیز گواهی!^{۸۳}

همچنین دقت کنیم که در آیه سخن از "ناس" یعنی مردم به طور کلی می باشد، از جنبه ای به این معنا که نه فقط مسیحیان بنی اسرائیل می رفتند تا این نسبت ناروا را به مریم سلام الله علیها دهند بلکه دیگر مردمان نیز؛ چنانکه چنین کرده اند.

یقینا که قرآن با محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین بزرگترین معجزه خدای یگانه است. آری، ظاهر و باطن قرآن امروز هم به حفاظت حضرت مهدی علیه السلام تا قیامت محفوظ خواهد ماند هر چند کافران و مشرکان را خوش نیاید.

ما مسلمانان به حضرت عیسی و حضرت مریم علیهما السلام اعتقاد داریم و ایشان را دوست داریم و به آن ها احترام می گذاریم و بسیاری مواقع نادانسته فکر می کنیم که مسیحیان هم به همان حضرت عیسی و حضرت مریمی که ما اعتقاد داریم، اعتقاد دارند. اما متأسفانه مسیحیان در واقع بت هایی خیالی ساخته اند و آن ها را عیسی و مریم می نامند.

همانگونه که امام رضا علیه السلام فرمودند: ما از عیسی ای که خدا و پسر خداست بیزاری می جوئیم و به عیسی حقیقی که بنده خداوند متعال بود و بشارت حضرت محمد و اهل بیت ایشان علیهم السلام را داد اعتقاد داریم... جهت اطلاع بیشتر در خصوص این فرمایش حضرت رضا علیه السلام و بشارت های انجیل حقیقی حضرت عیسی علیه السلام دوستانمان را صمیمانه دعوت میکنیم به مطالعه مقالات "[عیسی حقیقی](#)" و "مناظره امام رضا علیه السلام قسمت سوم و قسمت چهارم" "[بشارات انجیل حقیقی عیسی علیه السلام به محمد و آل محمد صلی الله علیهم اجمعین](#)" در این سایت.

"ما كان لبشر أن يؤتيه الله الكتاب والحكم والنبوة ثم يقول للناس كونوا عبادا لي من دون الله ولكن كونوا ربانيين بما كنتم تعلمون الكتاب وبما كنتم تدرسون ولا يأمركم أن تتخذوا الملائكة والنبيين أربابا أيا أمركم بالكفر بعد إذ أنتم مسلمون"

^{۸۳}قرآن کریم؛ سوره مائده(۵): آیات ۱۱۶ و ۱۱۷

برای هیچ بشری سزاوار نیست که خداوند، کتاب آسمانی و حکم و نبوت به او دهد سپس او به مردم بگوید بنده من باشید به جای خدا؛ بلکه (سزاوار مقام او، این است که بگوید) هم چنان که از کتاب خدا می آموزید و در آن می خوانید، پرستندگان خدا باشید.

و نه اینکه به شما دستور دهد که فرشتگان و پیامبران را، پروردگاران خود انتخاب کنید. **آیا شما را، پس از آنکه مسلمان شدید، به کفر دعوت می کند؟! ^{۸۴}**

خانواده مقدس

پیش از آنکه ببینیم مسلمانان چه نگرشی درباره حضرت مریم سلام الله علیها دارند به نکته دیگری اشاره می کنیم: گزارش شد که بانوی تجلی های فاطیما درباره معصومیتش و درباره یک "خانواده مقدس" صحبت کرد. با توجه به آنچه پیشتر بررسی کردیم معصومیت حضرت مریم سلام الله علیها در واقع در زمان تجلی ها در فرآیند ایجاد شدن توسط کلیسای کاتولیک بود.

و اما درباره خانواده مقدس که کلیسای کاتولیک اصرار دارد که آن را یوسف و مریم و عیسی معرفی کند: اول آنکه یوسف پدر عیسی نبود پس آنها یک خانواده واقعی نبودند. دوم اینکه یوسف بنا بر مفهوم گناه نخستین مانند مریم - که تا چند سال پیش از تجلی های فاطیما گناهکار به حساب می آمد- گناهکار محسوب می شود. پس بنا بر اصول و قواعد کاتولیک یوسف و مریم و عیسی نمی توانند یک خانواده مقدس و مطهر باشند و این در حالی ست که قرآن مقدس درباره اهل بیت یعنی حضرت محمد حضرت علی حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین علیهم السلام و نه امام معصوم از نسل امام حسین علیه السلام می فرماید:

"إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا"

همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را مطهر سازد، تطهیری کامل. ^{۸۵} حتی سنی ها هم نقل کرده اند که این آیه مانند بسیاری آیات دیگر در قرآن درباره حضرت علی و حضرت فاطمه و خانواده ایشان علیم السلام نازل شده است.

در اینجا ما به نقل یک روایت سنی در این زمینه بسنده می کنیم:

ابن عباس گفته است من دیدم که پیامبر خدا برای هفت ماه هر روز زمان نماز به در خانه علی بن ابیطالب می آمد و می فرمود: سلام، درود و رحمت خدا بر شما اهل بیت. همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را مطهر سازد، تطهیری کامل. ^{۸۶}

^{۸۴}قرآن کریم؛ سوره آل عمران(۳)؛ آیات ۷۹ و ۸۰

^{۸۵}قرآن کریم؛ سوره احزاب (۳۳)؛ آیه ۳۳

^{۸۶}الدر المنثور، جلد ۵، صفحه ۱۹۹

شخصیت حضرت مریم سلام الله علیها از دیدگاه اسلام

اکنون اجازه دهید ببینیم که اسلام حقیقی - دین برگزیده خداوند یکتا، دین حقیقی تمامی پیامبران و اوصیاء برگزیده الهی - چگونه حضرت حوا و حضرت مریم سلام الله علیهما را معرفی کرده است. اولاً حضرت حوا سلام الله علیها در اسلام به عنوان منشأ گناه شناخته نشده است؛ در واقع در هیچ کجای قرآن مجید حضرت حوا در مورد میوه ممنوعه به تنهایی مورد خطاب قرار نگرفته است که این خود معنای عمیقی دارد؛ به جای آن در سوره بقره (۲)، آیات ۳۴ تا ۳۶ و در سوره اعراف (۷)، آیات ۱۲ تا ۲۳ حضرت آدم و حضرت حوا علیهما السلام هر دو مورد خطاب قرار گرفته اند و در سوره طه (۲۰)، آیات ۱۱۷ تا ۱۲۱ تنها حضرت آدم علیه السلام مورد خطاب قرار گرفته است. شایان ذکر است که حضرت آدم علیه السلام پیامبر خدا بود و او و حضرت حوا نزد مسلمان بسیار مورد احترام هستند.

ثانیا هر انسانی پاک از هر گناه به دنیا می آید و هر فردی بر مبنای اعمال خودش که در زمان بزرگسالی به عنوان یک فرد مسئول به اختیار خود انجام می دهد مورد قضاوت قرار می گیرد یعنی خود به اختیار خود یا مرتکب گناه می شود یا نمی شود و یا توبه می کند یا نمی کند.

در واقع هم سنی و هم شیعه این حدیث را از حضرت رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که می فرمایند: "هر کودکی بر اساس فطرت (سرشت درونی یکتا پرستی) به دنیا می آید" این حدیث تفسیر آیه ۳۰ سوره روم (۳۰) قرآن کریم است.

و در مورد حضرت مریم سلام الله علیها در سوره آل عمران (۳) آیه ۳۷ آمده است که الله جل و اعلای آن بانورا پذیرفته است:

"فتقبلها ربها بقبول حسن و أنبتها نباتا حسنا و كفلها زكريا كلما دخل عليها زكريا المحراب وجد عندها رزقا قال يا مريم أنى لك هذا قالت هو من عند الله إن الله يرزق من يشاء بغير حساب"

خداوند، او [مریم] را به طرز نیکویی پذیرفت و به طرز شایسته‌ای، او را رویانید، رویانیدنی نیکو و کفالت او را به زکریا سپرد. هر زمان زکریا وارد محراب او می شد، غذای مخصوصی در آن جا می دید. از او پرسید: ای مریم! این را از کجا آورده‌ای؟! گفت: این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می دهد. و در همان سوره در آیه ۴۲ آمده است:

"و إذ قالت الملكة يا مريم إن الله اصطفك و طهرک و اصطفك علی نساء العالمین"

و آن هنگام که فرشتگان گفتند: ای مریم! خدا تو را برگزیده و مطهر ساخته و بر زنان عالمیان، برتری داده است.

این مسئله، امر پیچیده ای نیست که بسیار هم ساده است؛ تنها یک خالق و رب وجود دارد، الله یکتا که به هیچ وجه ند و شبیهی ندارد. او از میان خلائق خاصش عده خاصی را برگزیده است و حضرت مریم سلام الله علیها نیز یکی از افراد خاص و پاک است که از میان زنان عالمیان در زمان خودش برگزیده شد.

لازم به ذکر است که در بسیاری از آیات قرآن کریم کلماتی همچون "عالمیان" برای اشاره به مردم در زمان معینی

استعمال شده است. برای مثال در سوره بقره (۲) آیه ۴۷ الله عز و جل با استفاده از افعال ماضی به بنی اسرائیل یادآوری می کند که او آن ها را قبلا انتخاب کرده بود و بر عالمیان برتری داده بود و به آن ها نعمت های بسیار عطا کرده بود که در ادامه آن نعمت ها را بر می شمارد. اما بنی اسرائیل آنچنان ناسپاس و نافرمان بودند که در آیه ۶۱ خداوند درباره آن ها می فرماید:

"... و ضربت عليهم الذلة والمسكنة و باءو بغضب من الله ذلك بأنهم كانوا يكفرون بآيات الله و يقتلون النبيين بغير الحق ذلك بما عصوا و كانوا يعتدون"

... و (مهر) ذلت و خواری، بر پیشانی آن ها زده شد و گرفتار خشم خدایی شدند چرا که آنان نسبت به آیات الهی، کفر می ورزیدند و پیامبران را به ناحق می کشتند. اینها به خاطر آن بود که گناهکار و متجاوز بودند. بنابراین واضح است که آن ها در میان مردم و عالمیان زمان خود برگزیده شده بودند اما نافرمانی و ظلم آن ها باعث شد جایگاه خود را از دست بدهند. در نتیجه کلمه "عالمیان" در آیه ۴۷ به هیچ وجه معنای انسان ها از آغاز تا پایان را نمی دهد و تنها به معنای انسان های آن عصر است.

شخصیت حضرت فاطمه سلام الله علیها از دیدگاه اسلام

پس حضرت مریم سلام الله علیها از سوی خداوند پاک و مطهر گشت و از میان زنان زمان خود برگزیده شد؛ اما شیعه و سنی هر دو روایت کرده اند که حضرت فاطمه سلام الله علیها بر زنان عالمیان از ابتدا تا انتها برتری داده شدند یعنی حضرت فاطمه سلام الله علیها بالاترین جایگاه ممکن را در میان زنان -زنان گذشته، حال و آینده- دارا هستند. به عنوان نمونه چند حدیث سنی را که سنیان معمولا دوست ندارند آشکار شود بیان می کنیم. از عایشه روایت شده است که:

رسول الله صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه که در حال گریستن بر بالای بستر پدر بودند فرمودند: "آیا خشنود نیستی که تو سیده زنان بهشت یا سیده تمام زنان مومن هستی؟"^{۸۷}

از ابن عباس نقل شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

"چهار زن بانوان عالمیان هستند: مریم، آسیه (همسر فرعون)، خدیجه و فاطمه. و برترین ایشان فاطمه است."^{۸۸} جوینی سنی در کتاب فرائد السمطین حدیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله روایت کرده است:

و اما ابنتی فاطمة فانها سيدة نساء العالمين من الاولين و الاخرين و هي بضعة منی و هي نور عینی و هي ثمرة فؤادی و هي روحی التي بین جنبی و هي الحوراء الانسیه.

و اما دخترم فاطمه، پس همانا او سرور زنان عالمیان از گذشتگان و آیندگان است و او پاره ای از من و نور چشم من و میوه دل من است. او روح من است که در میان دو پهلوی من جای دارد. او حوریه ای [بهشتی] در قالب بشر است.

^{۸۷} بخاری حدیث ۴۸۱۹

^{۸۸} تفسیر سنی الدر المنثور

متی قامت فی محرابها بین یدی ربها جل جلاله زهر نورها لملائكة السماء كما يزهر نور الكواكب لاهل الارض و يقول الله عزوجل لملائكته: يا ملائكتی انظروا فاطمة سيدة امائی قائمة بین یدی ترتعد(ترعد) فرائضها من خیفتی و قد اقبلت بقلبها علی عبادتی اشهدکم انی قد امننت شیعتها من النار هر وقت در محراب عبادتش در مقابل پروردگارش می ایستد، نورش برای فرشتگان آسمان درخشش دارد، همانند نور ستارگان آسمان که برای مردم زمین می درخشد. در این هنگام ، خدای عزوجل به فرشتگانش می فرماید : ای فرشتگان من ! نگاه کنید به بنده من فاطمه که سرور همه بندگان من از جنس زنان می باشد . به او نگاه کنید که چگونه ما بین پهلو و شانه هایش از خوف عظمت من می لرزد و با قلبش به عبادت من روی آورده است.

شما ملائکه را شاهد می گیرم که شیعیان او را از آتش دوزخ در امان داشتیم^{۸۹}.

واژه فاطمه در عربی از فعلی گرفته شده است که معنای جدا کردن و دور ساختن می دهد. حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودند که دخترشان به این سبب فاطمه نام گرفتند که الله جل و اعلا او و کسانی که او را دوست می دارند از آتش جهنم دور ساخته است.^{۹۰}

حضرت محمد صلی الله علیه و آله همچنین فرمودند که نور فاطمه پیش از آفرینش آسمان ها و زمین آفریده شد ... و پیروان و شیعیان او از آتش جهنم در امان خواهند بود و دشمنان او از رحمت محروم خواهند گشت.^{۹۱} ای خدا! به نام حضرت فاطمه سلام الله علیها از تو می خواهیم تا در ظهور با شکوه مهدی فاطمه علیه السلام تعجیل فرمائی؛ ظهوری که حضرت محمد صلی الله علیه و آله درباره آن می فرمایند:

عیسی به سرزمین مقدس در گردنه ای که آن را افیق می نامند نزول خواهد کرد و وارد بیت المقدس خواهد شد در حالیکه مردم در حال (آماده شدن برای) نماز صبح هستند و حضرت مهدی علیه السلام عقب خواهند رفت ولی عیسی ایشان را به پیش می فرستد و نماز را پشت سر آن حضرت بر اساس شریعت محمد به جا می آورد و می فرماید: **شما اهل بیتی هستید که شایسته نیست کسی بر شما پیشی بگیرد.**^{۹۲}

در این سایت برای استخراج آیات و روایات غالبا از دو نرم افزار "گنجینه روایات نور" و "جامع التفاسیر نور" اثر مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی استفاده می شود.

^{۸۹} فرائد السمطین ج ۲ ص ۳۴-۳۵ بیروت، طبع محمودی؛ سند شیعی: أمالی الصدوق، ص ۱۱۳

^{۹۰} بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۲ تا ۱۶؛ ارشاد القلوب ج ۲ ص ۲۳۲؛ عیون اخبار الرضا؛ علل الشرایع

^{۹۱} بحار الانوار ج ۴۳ ص ۴

^{۹۲} اسناد شیعه: منتخب الاثر ص ۳۱۶ ، یوم الخلاص ص ۵۵۲ ، کشف الغمه ج ۳، ملاحم الفتن ص ۶۷ و ۷۷ ، الزام الناصب ص ۵۳ ، ۱۰۰ ، ۲۵۷ و ... اسناد سنی: صواعق المحرقة ص ۱۶۲ ، مسلم جلد یک ص ۱۰۷ و ۱۰۸ و جلد هشت ص ۱۹۷ ، ۱۹۸ و...)